

بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی - سیاسی و فرهنگی ارامنه جلفای اصفهان

دکتر مهدی ادیبی سده*
مکاتب هارطونیان**

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر در مشارکت ارامنه جلفای اصفهان در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه‌ی خود است. این پژوهش به روش پیمایشی در بهار ۱۳۸۶ در جلفای اصفهان انجام و نتایج به دست آمده از ۱۸۳ نفر افراد ۱۸ تا ۷۲ ساله این جامعه مورد تحلیل قرار گرفته است. میانگین مشارکت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ارامنه جلفای اصفهان در سطح بالایی قرار دارد. بر اساس تحلیل‌های آماری انجام شده رابطه میان مشارکت اجتماعی ارامنه با متغیرهای سن، تأهل، تعلق اجتماعی، آگاهی فردی و اجتماعی و رضایت از امکانات و وضعیت جامعه تأیید شده است. فضای بساز شبکه روابط و ساختارهای اجتماعی جامعه می‌تواند نقش مهمی در افزایش مشارکت اجتماعی داشته باشد. ضمناً با افزایش امکانات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و اوقات فراغت در جامعه می‌توان شرایطی ایجاد کرد که افراد جامعه برای رفع نیاز تعلق و همبستگی اجتماعی با میل و رغبت در مشارکت‌های مختلف شرکت کنند.

واژگان کلیدی: مشارکت، ارامنه، جلفای اصفهان، اقلیت ملی - مذهبی، مشارکت اجتماعی - سیاسی و مشارکت فرهنگی

* استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان
** کارشناس علوم اجتماعی

مقدمه:

در قرن ۱۷ میلادی، در زمان جنگ ایران و عثمانی، شاه عباس اول تعداد زیادی از آرامنه ارمنستان را به ایران کوچاند و آنها را در قسمت جنوبی شهر اصفهان و روستاهای اطراف آن اسکان داد. ساکنان جدید شهر اصفهان این منطقه را به نام موطن اصلی خود «جلفای نو» نامیدند.

در طی چهارصد سال گذشته تاریخ جلفای اصفهان فراز و نشیب فراوانی داشته است. اما همواره این جامعه‌ی اقلیت سخت‌کوش سهم بسزایی در اعتلای تجارت، صنعت، فرهنگ و دیگر رشته‌های این مرز و بوم داشته است. دوران صفوی نقطه اوج پیشرفت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جلفای نو بوده است.

در دوران اخیر نیز آرامنه جلفای اصفهان دوش به دوش دیگر هم وطنان به عنوان شهروندان مسؤول و متعهد این سرزمین در تمامی مراحل انقلاب، جنگ تحمیلی و دوران بازسازی شرکت داشته از هیچ کوششی برای سربلندی و پیشرفت ایران دریغ نکرده‌اند.

آرامنه‌ی جلفای اصفهان به عنوان یک اقلیت ملی - مذهبی با آداب و رسوم و فرهنگ ویژه خود در برگزاری مراسم مذهبی و دیگر امور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود از آزادی کامل خود برخوردار بوده و در طی این دوران طولانی توانسته‌اند. نه تنها هویت ملی - مذهبی خود را حفظ کرده بلکه در اعتلا و پیشرفت جامعه خود نیز کوشا باشند.

این جامعه‌ی اقلیت در امور مذهبی، فرهنگی و سیاسی و اجتماعی خود دارای ساختارها و نهادهای مختلفی است که همگی آنها با مشارکت مردم این جامعه فعال بوده و در طی زمان استمرار یافته است.

بررسی وضعیت مشارکت اعضای این جامعه، شناخت عوامل مؤثر در این مشارکت و آرایه راهکارهای تسهیل کننده در این خصوص می‌تواند برای این جامعه چهارصد ساله که همواره در تغییر و تحول به سوی وضعیت بهتر و متکامل‌تر بوده از اهمیت خاصی برخوردار باشد.

تحقیق در مورد مسأله‌ی مشارکت اجتماعی اعضای جامعه ارامنه جلفای اصفهان نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن تاریخ، وضعیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی این جامعه و نهادهای مختلف آن انجام گیرد؛ لذا آشنایی هر چند مختصر با ابعاد مختلف زندگی این جامعه ضروری می‌نماید. از سویی مشارکت اجتماعی به عنوان مفهومی چندبعدی و پیچیده که حاصل کنش متقابل اجتماعی انسان‌ها است از ظرافت ویژه‌ای برخوردار و لازم است که با نگرش دقیق به تمامی جوانب آن و با استفاده از روش‌های علمی در راه شناخت این پدیده گام برداشت.

تاریخچه تأسیس جلفای اصفهان

بخش ارمنی‌نشین جلفا در ۱۶۰۶ بنا نهاده شده است. زمانی که شاه عباس برای مقابله با ترکان عثمانی، شهرهای ارمنستان را که جزء امپراطوری خود بود ویران کرد و مردم آن نواحی را ضمن جنگ به داخل ایران کوچاند تا دشمن را با کمبود مواد غذایی و ویرانی شهرها روبه‌رو سازد و مانع پیشرفت سپاه ترک گردد.

در آن زمان حدود سه هزار خانوار از ارامنه‌ی جلفای ارس به اصفهان کوچانده در جنوب آن شهر مستقر شدند. مهاجران محل جدید را به نام موطن اصلی خود جلفای نو نامگذاری کردند.

ارامنه در عصر شاه عباسی به جز جلفا در مناطق دیگری چون فریدن، چهار محال و بختیاری و کرون نیز مستقر شدند.

کوچاندن ارامنه به اصفهان افزون بر دلایل ژئوپولیتیک جنگی، بیشتر بخاطر رونق تجارت و صنعت شهر بوده است. ارامنه پیش از آن که به اصفهان آورده شوند در امر بازرگانی و تجارت با اروپا موفق بودند. در عصر شاه‌عباس اول نیز با پشتیبانی او موفقیت‌های بزرگ اقتصادی نصیب جامعه‌ی ارامنه اصفهان شد، به ویژه در تجارت خارجی با کشورهای آسیایی و اروپایی این موفقیت چشمگیرتر بود. (درهوهانیان، ۱۳۷۹، ۱۸-۱۹)

روابط تجاری آرامنه جلفا با ممالک خارجی علاوه بر رونق اقتصادی کشور نقش مهمی در مبادلات فرهنگی میان سرزمین‌های اروپایی و ایران داشته است. گرچه بعضی پادشاهان صفوی نسبت به آرامنه بی‌مهری می‌کردند، لیکن تا پایان دوره صفویه آرامنه جلفای اصفهان از حمایت نسبی شاهان این سلسله برخوردار بودند. در زمان حمله‌ی افغانه تا پایان عصر قاجاریه به علت شرایط اقتصادی و اجتماعی، آرامنه در محدودیت شدید قرار داشتند که موجب مهاجرت‌های دسته جمعی آنها از جلفای اصفهان شد. (همان، ۲۲) بعد از این تاریخ با پیشرفت و ترقی کشور اوضاع آرامنه نیز بهبود یافت.

مشخصات جغرافیائی جلفای اصفهان

جلفا جزء پنج شهر اصفهان است^۱ که بنای آن همان گونه که گفته شد در زمان شاه عباس (۱۶۰۶ میلادی) بوده و در جنوب شهر واقع است. در ابتدای تأسیس این شهرک ارمنی‌نشین پنج محله به نام‌های «میدان بزرگ»، «میدان کوچک»، «هاکویجان»، «چهارسوق» و «قاراگل» وجود داشت که ساکنان آنها را جلفاییان آذربایجان تشکیل می‌دادند. بعدها در اثر مهاجرت آرامنه‌ای که سابقاً در شمس آباد و عباس آباد سکونت داشتند و به دنبال توسعه شهری، محلات جدیدی در جنوب غربی جلفا تأسیس شد. گزارش سیاحان خارجی حاکی از آن است که جلفا از نظر اجتماعی و اقتصادی به دو منطقه‌ی قابل تفکیک به نام‌های جلفای قدیم و جدید تقسیم شده بود.

در منابع فارسی نام جلفا به صورت «جولاه» و در زبان ارمنی به صورت «جوغا» است. در حال حاضر محله‌های جلفا عبارتند از: میدان بزرگ، میدان کوچک، محله چهار سوق، محله هاکویجان، محله قاراگل، محله سنگ تراش‌ها،^۲ محله تبریزی‌ها و محله ایروان تشکیل شده است.

در جلفا ایجاد خیابان «نظر» با جهت شرقی و غربی در ۱۳۱۴ و خیابان حکیم نظامی با جهت شمالی و جنوبی، جلفا را تقریباً به چهار واحد جداگانه تقسیم کرد و پل‌های مارنان، فلزی و آذر ارتباط این بخش شهری را با قسمت شمالی

شهر برقرار کرد. در سال‌های بعد خیابان‌های خاقانی، وانک، خورشید، مهرداد، خواجه پطروس و غیره احداث شدند.

جلفای اصفهان در گذشته به صورت یک شهرک کاملاً مستقل و جدا از شهر اصفهان بود، ولی در حال حاضر با توسعه‌ی شهر، جزء کوچکی از شهر اصفهان است. (شفقی، ۱۳۵۳، ۴۲۵-۴۵۰)

جمعیت ارامنه جلفای اصفهان

بررسی تاریخی جلفا روشن‌گر این واقعیت است که از سال‌های تأسیس این بخش ارمنی‌نشین اصفهان تا به امروز جمعیت آن نوسانات زیادی داشته است.

در سال‌های اولیه کوچ ارامنه به اصفهان حدود ۳۰۰۰ خانوار ارمنی وارد این شهر شدند. اما در زمان سلطنت شاه عباس دوم جمعیت ارامنه به سی هزار نفر افزایش یافت. در اواخر حکومت صفویه و هجوم افغانه و جنگ‌های نادرشاه و کشمکش‌های سلسله زندیه در اثر تعقیب شدید مذهبی و وجود اوضاع وخیم اقتصادی بخصوص برای فعالیت‌های تجاری ارامنه، جمعیت ارامنه به شدت کاهش یافته تا حدی که در بعضی متون تاریخی خانوارهای ارمنی در جلفای اصفهان به علت مهاجرت به ۵۰۰ خانوار کاهش یافت.

از ۱۳۰۰ با بهبود وضع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران جمعیت ارامنه روبه فزونی نهاد، به گونه‌ای که در ۱۳۴۵ جمعیت ارامنه جلفا حدود ۶۰۰۰ نفر بود.

در سال‌های پس از انقلاب اسلامی ایران تغییراتی در جمعیت ارامنه جلفا در اثر مهاجرت به خارج از کشور، هم‌چنین مهاجرت ارامنه مناطق جنگی به جلفا روی داده است. در حال حاضر حدود ۶۰۰۰ ارمنی در جلفای اصفهان زندگی می‌کنند. جلفا حداکثر جمعیت را در اواخر قرن ۱۷ (عصر صفویه) و حداقل جمعیت را در زمان قاجاریه داشته است.

لازم به ذکر است جلفای امروز یک واحد بزرگ مسکونی ارمنی‌نشین نیست. پس از جنگ جهانی دوم در اثر صنعتی شدن و توسعه عظیم شهری استقرار

خانواده‌های مسلمان در جلفا بسیار چشمگیر بوده است. به طوری که در بعضی محله‌ها جمعیت ارامنه در اقلیت است. در جلفا کمتر بخش مسکونی یافت می‌شود که ساکنان آن را صد درصد ارامنه تشکیل می‌دهند. اما اکثریت ساکنان میدان جلفا، چهار سوق، محله هاکویجان و محله سنگ تراش‌ها را هنوز ارامنه تشکیل می‌دهند.

خلیفه‌گری ارامنه اصفهان

امور مذهبی، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و به طور کلی تمامی نهادهای مخصوص ارامنه زیر نظر و به سرپرستی خلیفه‌گری‌ها اداره می‌شود. در ایران سه خلیفه‌گری، به ترتیب قدمت، وجود دارد: الف) خلیفه‌گری ارامنه کل آذربایجان (استان‌های آذربایجان غربی و شرقی)، ب) خلیفه‌گری ارامنه اصفهان و استان‌های جنوب ایران و ج) خلیفه‌گری ارامنه تهران و استان‌های شمال ایران.

هر سه حوزه کلیسایی، وابسته به حوزه عالی‌سیلیسی لبنان هستند. خلیفه‌گری ایران - هندوستان در اوایل قرن هفدهم میلادی، با مهاجرت ارامنه به ایران در زمان شاه عباس دوم و سکونت در اصفهان، خوزستان، خراسان، فارس و سایر استان‌ها، در جلفای اصفهان تأسیس شد. نخستین اسقف این خلیفه‌گری به نام «مسروپ» با ارامنه به ایران مهاجرت کرد و کلیسای «وانک» را بنیان گذاشت. غیر از خلیفه‌گری آذربایجان، کلیساهای ایران و حتی کلیساهای ارامنه کشورهای هندوستان و آسیای جنوب شرقی و کشور عراق زیر مجموعه‌های این خلیفه‌گری بوده‌اند.

از ۱۹۴۵ میلادی/۱۳۲۴ ش، برخی مناطق ایران، از جمله شهر تهران که قبلاً تحت پوشش این خلیفه‌گری بودند از آن منتزع شدند. تا ۱۹۵۸ میلادی/۱۳۳۷ ش خلیفه‌گری‌های ایران تحت پوشش حوزه «اچمیادزین مقدس» در کشور ارمنستان

قرار داشتند و از آن تاریخ تاکنون وابسته به حوزه سیلیسی (انتیلیاس)، در کشور لبنان هستند و نام این خلیفه‌گری از خلیفه‌گری ایران - هندوستان به خلیفه‌گری اصفهان تغییر یافته است. (ملکمیان، ۱۳۸۰، ۶۹-۷۵)

کلیساهای استان‌های اصفهان، خوزستان و فارس زیر نظر خلیفه‌گری اصفهان اداره می‌شوند.

ارامنه پیرو دین مسیح و اولین ملتی هستند که در ۳۰۱ میلادی مسیحیت را به عنوان دین رسمی قبول کردند. اکثر ارامنه‌ی جلفا پیرو کلیسای حواریون حضرت مسیح هستند و به عنوان ارامنه‌ی گریگوری شناخته می‌شوند.

جلفا در گذشته دارای ۲۴ کلیسا بوده است که تعدادی از آنها به مرور زمان رو به ویرانی نهاده و اکنون فقط دارای دوازده کلیسا است. پس از کلیسای وانک مجلل‌ترین آن کلیسای «بیت اللحم» است. (همان، ۷۵-۷۶)

تعاریف نظری مشارکت

مشارکت به عنوان یک پدیده‌ی پیچیده و چند بعدی مانند بسیاری از دیگر پدیده‌های اجتماعی به سادگی قابل تعریف نیست.

در فرهنگ معین واژه «مشارکت» به معنی «شرکت و انبازی» کردن آمده است. آلن بیرو (Birou) مشارکت را چنین تعریف کرده است: «مشارکت به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و بنا بر گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است. به همین جهت، از دیدگاه جامعه‌شناسی، باید میان مشارکت به عنوان آلت یا وضع (امر شرکت کردن) و مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تمیز قایل شد. مشارکت در معنای اول از تعلق به گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد و در معنای دوم داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می‌رساند و بر فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد.»

مشارکت می‌تواند اشکال و درجات گوناگونی یابد، نظیر همکاری، همیاری، همبستگی، انطباق، سازگاری، پذیرش، انقیاد، شیفتگی. ایفای نقش‌های اجتماعی

و انجام وظایفی که با این نقش‌ها ملازمت دارند، مبین مشارکت معمولی و ارتجالی گونه، در حیات اجتماعی است. ایفای این نقش‌ها، تجلی اراده انسان‌ها جهت تعلق به جمع و یکپارچگی و یگانگی با آن است. (بیرو، ۱۳۸۰، ۲۵۷)

محمد آراسته‌خو مشارکت را چنین تعریف کرده است :

«مشارکت حاصل روندی پویاست که در آن فرد خواست‌های واقعی خود و جامعه را به درستی می‌شناسد و نه تنها هدف خود را با اهداف جامعه هم‌سو می‌یابد، بلکه فعالیت خود و جامعه را بدون هیچ گونه احساس فشار با هم می‌آمیزد و نسبت به این آمیزش احساس تعهد می‌کند.» (آراسته‌خو، ۱۳۸۳، ۲۰)

مشارکت هم‌چنین به عنوان کنش متقابل اجتماعی است که در آن افراد به طور آگاهانه و مؤثر فعالیت‌های خود را با کمک متقابل به هم می‌آمیزد تا هدف مشترکی تحقق پذیرد، بنابراین در ابعاد گسترده، مشارکت فرایندی است که به واسطه‌ی آن فرد نقش‌هایی در حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور ایفا می‌کند و جامعه را جهت نیل به اهدافش یاری می‌رساند. در مفهوم محدودتر مشارکت اقداماتی است که افراد انجام می‌دهند تا از این طریق با مدیریت جامعه همکاری کنند و در برنامه ریزی و تصمیم‌گیری‌ها با آنها تعامل داشته باشند تا از یک سو به نیازها و خواسته‌های خود برسند و از سوی دیگر منافع عمومی تأمین شود.

با در نظر گرفتن ویژگی‌های عمده‌ی مشارکت که شامل داشتن هدف مشترک، آگاهی و اراده و خواست و انتخابی بودن است، می‌توان گفت که مشارکت فرایندی است فعال، آگاه، آزاد و مسؤول.

از نظر سرمایه اجتماعی نیز مشارکت مهم است، چون سرمایه اجتماعی مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیر رسمی است که اعضای گروهی یا جامعه ای را به همکاری و تعاون دعوت می‌کند؛ بنابراین سرمایه اجتماعی زیر ساخت ضروری برای حیات اجتماعی و مدنی است. از این لحاظ مشارکت

اجتماعی - فرهنگی هم سرمایه اجتماعی است و هم می‌توان در به وجود آمدن و نگهداری سرمایه اجتماعی در شکل خاص که متوجه منافع جمعی است، نقش مهمی ایفا کند.

مبانی نظری پژوهش:

صاحب‌نظران مختلف علوم اجتماعی در خصوص مشارکت، دیدگاه‌ها و توصیف‌های خود را ارائه کرده‌اند که به بعضی از آنها در ذیل اشاره می‌شود. بر طبق نظر دورکیم (E. Durkhiem) وجدان جمعی که مجموعه باورها و احساسات مشترک اعضای یک جامعه است بدون مشارکت افراد در آن، نمی‌تواند واقعیت یابد.

از نظر او فقدان مشارکت و عدم جذب و یکپارچه شدن افراد با جامعه، به افزایش میزان انحرافات اجتماعی می‌انجامد؛ لذا راه حل برای کاهش انحرافات اجتماعی، توسعه سازمان‌هایی است که به احیای ادغام و مشارکت افراد کمک می‌کند.

• از نظر موریس هالبواکس (Moris Halbowaxe) مشارکت به عنوان پدیده اجتماعی عبارت است از درگیری در ارزش‌های جامعه عضویت. هرگاه افراد در بطن ارزش‌ها و هنجارهای جامعه خود زندگی کنند، در واقع در حیات اجتماعی مشارکت دارند. (توسلی، ۱۳۸۲، ۷۴)

وی تعیین جایگاه طبقات اجتماعی در سلسله مراتب جامعه را در درجه اول به درجه مشارکت یا بهره‌مندی طبقه از فعالیت‌های اجتماعی عالی وابسته می‌داند.

در مکتب تفهیمی ماکس وبر (Max Weber) اعتبار جامعه شناختی هنجارها و قواعد رفتاری هنگامی است که اعضای جامعه به دلیل باور و عقیده آنها را مشروع تلقی کرده، رفتارهای خود را بر اساس آنها شکل داده تنظیم کنند، در واقع حیات یا دوام این هنجارها با مشارکت افراد جامعه در هستی آنها وابسته

است و با کاهش میزان مشارکت، قواعد اجتماعی اعتبار جامعه شناختی خود را از دست می‌دهند.

• توکوویل (A. Toqueville) معتقد است، مشارکت، تجربه شهروندی را فعال و مترقی و شهروندان را نسبت به نظم علاقمند می‌کند و آگاهی آنها را درباره وظایف دولت، مردم، محدوده‌ها و محدودیت‌های حقوق دیگران افزایش می‌دهد. (قبادی، ۱۳۸۱، ۳۸)

مشارکت اجتماعی مفهومی است که مخصوصاً در جامعه‌شناسی کارکردی و گرایش‌های موجود در آن مورد استفاده قرار گرفته است. از نظر مرتن (Merton) تحلیل کارکردهای نهان و آشکار به ویژه در سطح ساخت‌ها، باید شامل مباحث زیر باشد:

- وضع و شرایط مشارکت‌کنندگان در ساخت اجتماعی

- معنای عاطفی و شناختی رفتار مشارکت‌کنندگان

- تمیز میان انگیزه‌های مشارکت و رفتار مشارکت‌کنندگان.

بزرگان حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی و رفتاری مانند رابرت دال (Robert dahl)، لیپست (Lipset)، سامونل هانتینگتون (S. Huntington) و لوئیس کروزر (Lois croser) نیز تعاریفی از مشارکت در جوامع مختلف و در زمان‌های متفاوت ارائه داده و به تبیین تفاوت‌ها بر اساس عوامل اجتماعی، روانی، اقتصادی و سیاسی پرداخته‌اند.

در نظریه‌هایی که توسعه ملی را به صورت همه جانبه مطرح می‌کنند مشارکت از اهمیت خاصی برخوردار است. به عنوان نمونه در موفقیت الگوی توسعه یکپارچه که در برگیرنده و هماهنگ کننده کلیه جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی فنی و محیطی یک جامعه است، فنون «مردم‌گرایی» و فنون «مشارکتی» نقش به سزائی دارند.

در این الگو اعتقاد بر این است که خود مردم مسیر تحولات و سمت و سوی برنامه‌های توسعه را تعیین می‌کنند. به عبارت دیگر این دولت است که در روند برنامه ریزی مردم مشارکت می‌کند نه مردم در برنامه‌های دولت. توسعه مؤثر بر مشارکت همگانی متکی است و فرد از ثمرات آن بهره‌مند می‌شود، چون حوزه و میزان مشارکت مردم، تعیین کننده‌ی نحوه‌ی توزیع قدرت در جامعه و به عبارت دیگر نشانه‌ی توانایی تأثیرگذاری بر فرد، گروه و کل جامعه است.

هدف مشارکت نه فقط توسعه‌ی جامعه و تأمین آینده آن است، بلکه باعث افزایش توانایی‌ها و نقش مؤثر و عملی کسانی می‌شود که در فرایند توسعه شرکت دارند.

بسیاری از صاحب‌نظران مشهور توسعه در جهان سوم مانند میسرا (Misra) و سالیما عمر (Salima Omar) توسعه را به عنوان فرایندی از پایین به بالا و صرفاً با مشارکت مردمی می‌دانند؛ به عبارت دیگر آنان مشارکت اجتماعی را بر مشارکت سیاسی مقدم دانسته مشارکت مردمی را از ضروریات آن می‌شمارند. یکی از نظریه‌های معروف در زمینه‌ی مشارکت متعلق به آیزن و فیش باین (Isen & Fisch Byne) است.

به عقیده‌ی این دو، حلقه ماقبل عواملی که در رفتار دخالت دارند «قصد و نیت» رفتاری است، که این قصد و نیت متکی است بر «گرایش‌ها» که یک متغیر فردی و شخصی و «هنجارها» که منعکس کننده‌ی نفوذ و فشار اجتماعی است، بنابراین عناصر اصلی نظریه این دو، بخش شخصی و بخش اجتماعی است که ترکیب آن پیش‌بینی کننده یک قصد رفتاری است. قصدی که در نهایت مشخص کننده رفتار است. (سرگزی، ۱۳۸۱، ۲۷۸)

از دیگر تئوری‌هایی که میزان مشارکت افراد را در حیات سیاسی توضیح می‌دهد، تئوری مرکز - پیرامون است. بر اساس این تئوری تحصیلات بالا، منشاء شهری داشتن، بزرگ بودن منطقه، سابقه‌ی بالای اقامت، مشارکت در انجمن‌های

داوطلبانه و فقدان فشار، عواملی هستند که باعث می‌شوند افراد در مرکز قرار گرفته و به کانون‌های حیات اجتماعی و سیاسی دسترسی بیشتر داشته باشند. شهروندان جوان مجرد کمترین میزان مشارکت را دارند؛ زیرا به طور حاشیه‌ای با زندگی اجتماعی سر و کار دارند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی است که به شیوه‌ی پیمایشی در جلفای اصفهان انجام شده است.

برای جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه‌ای بر اساس متغیرهای شناسایی شده و مؤثر بر مشارکت اعضای جامعه‌ی آرامنه اصفهان تنظیم شده است و پاسخ‌های به دست آمده پس از امتیاز بندی و کد گذاری با استفاده از نرم افزار spss توصیف و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

در سرشماری که شورای خلیفه‌گری آرامنه اصفهان و جنوب ایران انجام دادند، جمعیت آرامنه جلفای اصفهان حدود ۶۰۰۰ نفر برآورد شده که ۴/۸ آن مرد و ۶/۵۱ زن هستند. از جمعیت یاد شده در گروه سنی ۱۸ - ۷۲ سال که تعداد آنان بالغ بر ۲۸۰۰ نفر می‌شود، به عنوان جامعه آماری مورد مطالعه در نظر گرفته شده و سپس با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه تعیین شده است.

$$n = \frac{Nt^2 pq}{Nd^2 + t^2 pq} = 183$$

در این تحقیق مقدار d با توجه به شباهت و همگنی افراد جامعه برابر با $۰/۰۷$ در نظر گرفته شد و در نتیجه با فرض $d = ۰/۰۷$ و $p = ۰/۵$ و $q = ۰/۵$ و $N = ۲۸۰۰$ نمونه مورد مطالعه در این پژوهش ۱۸۳ نفر شد. پس از تعیین مقدار حجم نمونه، نمونه‌گیری به صورت تصادفی انجام گرفته است.

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته عبارت است از مشارکت آرامنه جلفای اصفهان در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه خود.

متغیرهای مستقل عبارتند از سن، جنس، تأهل، میزان تحصیلات، شغل، پایگاه اجتماعی، احساس تعلق اجتماعی، آگاهی فردی و اجتماعی، میزان رضایت از وضعیت جامعه و کسب پاداش فردی.

فرضیه ها به صورت تفکیک شده به قرار زیر است:

- ۱- بین میزان مشارکت آرامنه و سن آنان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲- بین میزان مشارکت آرامنه و جنس آنها رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- بین میزان مشارکت آرامنه و شغل آنان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۴- بین میزان مشارکت آرامنه و تأهل آنان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۵- بین میزان مشارکت آرامنه و میزان تحصیلات آنها رابطه معناداری وجود دارد.
- ۶- بین میزان مشارکت آرامنه و پایگاه اجتماعی آنها رابطه معناداری وجود دارد.
- ۷- بین میزان مشارکت آرامنه و احساس تعلق اجتماعی آنان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۸- بین میزان مشارکت آرامنه و آگاهی فردی و اجتماعی آنان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۹- بین میزان مشارکت آرامنه و میزان رضایت از وضعیت جامعه رابطه معناداری وجود دارد.
- ۱۰- بین میزان مشارکت آرامنه و کسب پاداش فردی رابطه معناداری وجود دارد.

اعتبار و پایایی تحقیق

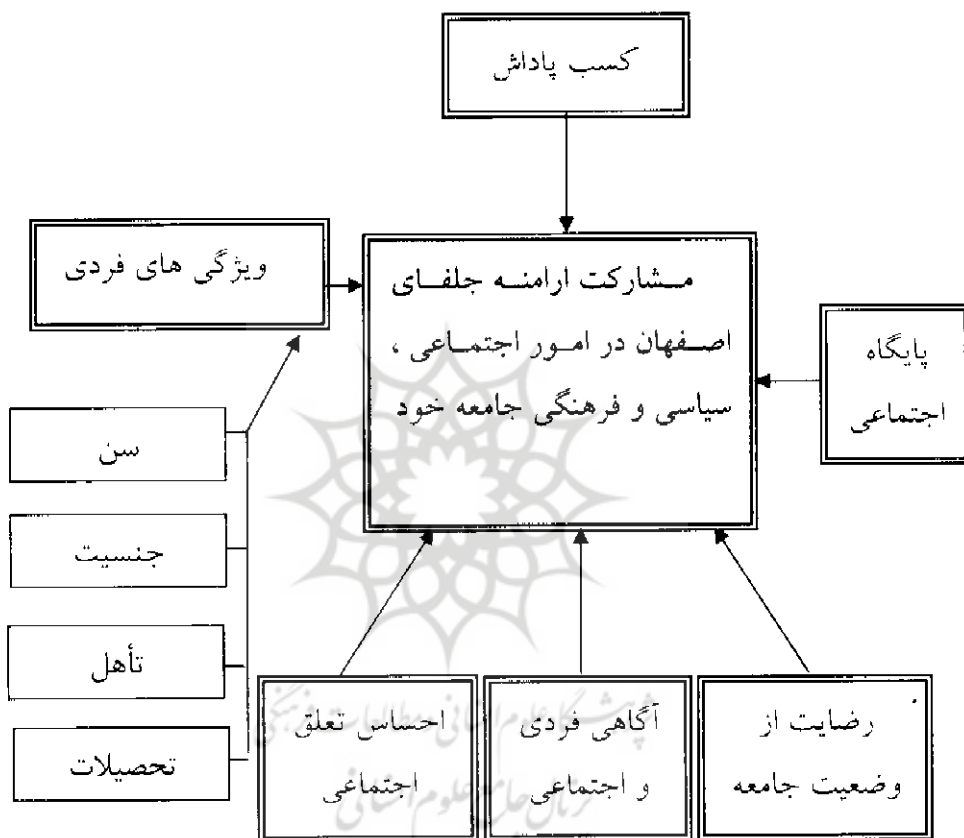
اعتبار (Validity) عبارت است از این که آیا وسیله اندازه گیری ما موضوع مورد نظر ما را می‌سنجد یا خیر؟ با در نظر گرفتن موارد ذیل می‌توان قضاوت کرد که اعتبار این تحقیق در حد مطلوب است. (دواس، ۱۳۷۶، ۱۷۸)

- الف - از نظر منطقی مطالب تحقیق قابل قبول بوده است و نتایج به دست آمده با یکدیگر هماهنگی دارند.
- ب - نتایج این تحقیق با اطلاعات موجود در سرشماری خلیفه گری ارامنه شباهت نزدیکی دارد.
- ج - با مراجعه به آرای مسئولان جامعه ارامنه، اعتبار شاخص های تحقیق مورد اتفاق نظر قرار گرفته است.
- د - از نظر اعتبار سازه ای ابزار تحقیق با مفاهیم و پیش فرض های نظری رابطه دارد.
- پایایی (Reliability) عبارت است از رسیدن به نتایج یکسان با آزمون های مکرر

برای تعیین روایی این تحقیق از آزمون آلفای کرونباخ که میزان همبستگی درونی گویه ها را نشان می دهد استفاده شده است. برای محاسبه آلفای کرونباخ از تعداد ۳۰ نفر اعضای جامعه ارامنه حلقای اصفهان که شرایط مشابهی با افرادی که به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شده بودند $test - pre$ انجام گرفته و سپس با نرم افزار $spss$ آلفای کرونباخ محاسبه شد. میزان آلفای کرونباخ حدود ۰/۷ به دست آمد که نشانگر حد مطلوب گویه های تحقیق است.

مدل علی پژوهش

رابطه‌ی فرضی موجود بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته :



تجزیه و تحلیل داده های آماری

الف : یافته های پژوهش و آمار توصیفی

بر اساس داده های به دست آمده

۱. ۴۷ درصد پاسخگویان مذکر و ۵۳ درصد مؤنث هستند.
۲. ۳۶/۱ درصد پاسخگویان مجرد، ۵۸/۵ درصد متأهل و ۱/۶ درصد سایر هستند. ۳/۸ درصد پاسخگویان به این سؤال جواب نداده‌اند.
۳. از نظر سنی بیشترین فراوانی متعلق به گروه سنی ۲۹ - ۳۹ ساله و کمترین فراوانی متعلق به گروه سنی ۵۱ - ۶۱ ساله است.
۴. از نظر تحصیلات ۰/۵ درصد پاسخگویان بی سواد، ۲/۲ درصد ابتدایی، ۲/۲ درصد راهنمایی، ۴/۴ درصد دبیرستان، ۵۹/۶ درصد دیپلم، ۱۲/۶ فوق دیپلم، ۱۵/۳ لیسانس، ۳/۳ فوق لیسانس و بالاتر.
۵. داده‌های مربوط به وضعیت اشتغال پاسخگویان به قرار زیر است:
۴/۴ درصد بازنشسته، ۲۲/۴ درصد کارمند، ۳۳/۹ درصد شغل آزاد، ۸۰/۷ درصد بیکار، ۲۲/۴ درصد خانه دار، ۷/۱ درصد دانشجوی، ۱/۱ درصد از پاسخگویان به این سؤال جواب نداده‌اند.
۶. داده های مربوط به نوع مسکن پاسخگویان به قرار زیر است:
۵۳ درصد شخصی، ۳۶/۱ درصد استیجاری و رهن، ۹/۳ درصد سازمانی، ۱/۶ درصد از پاسخگویان به این سؤال جواب نداده‌اند.
۷. داده های مربوط به میزان درآمد پاسخگویان به قرار زیر است:
۲۴ درصد ماهیانه کمتر از ۱۵۰ هزار تومان، ۲۸/۴ درصد ماهیانه بین ۱۵۱ تا ۳۰۰ هزار تومان، ۱۵/۳ درصد ماهیانه بین ۳۰۱ تا ۵۰۰ هزار تومان و ۷/۷ درصد

ماهنامه ۵۰۱ هزار تومان و بیشتر و ۲۴/۶ درصد از پاسخگویان به این سؤال جواب نداده‌اند.

۸. ۲۱/۳ درصد پاسخگویان در پایگاه اجتماعی بالا، ۶۵/۶ درصد در پایگاه اجتماعی متوسط و ۱۳/۱ در پایگاه اجتماعی پایین قرار دارند.

۹. میزان مشارکت در امور مذهبی، اجتماعی، عام المنفعه و شرکت در برنامه‌های انجمن‌های مختلف به قرار زیر است:

۶۰/۷ درصد پاسخگویان در سطح مشارکت بالا، ۳۵/۵ درصد در سطح مشارکت متوسط و ۳/۸ درصد در سطح مشارکت پایین قرار دارند.

۱۰. میزان مشارکت در امور سیاسی به قرار زیر است:

۸۳/۶ درصد پاسخگویان در سطح مشارکت بالا و ۱۶/۴ درصد در سطح مشارکت پایین قرار دارند.

۱۱. میزان مشارکت در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به قرار زیر است:

۵۱/۹ درصد پاسخگویان در سطح مشارکت بالا، ۴۲/۶ درصد در سطح مشارکت متوسط و ۵/۵ درصد در سطح مشارکت پایین قرار دارند.

۱۲. از نظر کسب پاداش ۲۷/۹ درصد پاسخگویان جواب بلسه، ۴۷ درصد جواب تا حدودی و ۲۵/۱ درصد جواب خیر داده‌اند.

ب: آزمون فرضیات و توصیف نتایج

فرضیه اول:

H0: بین مشارکت و جنس رابطه معناداری وجود ندارد.

H1: بین مشارکت و جنس رابطه معناداری وجود دارد.

نظر به اینکه مشارکت متغیر فاصله ای و جنس متغیر اسمی و دو گروه است، با استفاده از آزمون t مستقل تفاوت میانگین مشارکت مردان و زنان بررسی شده است.

۱. آزمون ۱ مستقل برای مقایسه میانگین مشارکت افراد مذکر و مؤنث

جنس		میانگین
مشارکت	مذکر	۹,۵۱
	مؤنث	۹/۲۴
		Sig = ۰/۴۹۱

چون Sig = ۰/۴۹۱ است پس نتیجه می‌گیریم که تفاوت معناداری بین مشارکت و جنس وجود ندارد. یعنی از نظر میزان مشارکت تفاوتی بین افراد مذکر و مؤنث وجود ندارد.

فرضیه دوم:

H0: بین مشارکت و تأهل رابطه معناداری وجود ندارد.

H1: بین مشارکت و تأهل رابطه معناداری وجود دارد.

نظر به اینکه مشارکت متغیر فاصله‌ای و تأهل متغیر اسمی و بیش از دو گروه است برای آزمون این فرضیه از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است.

۲. آزمون تحلیل واریانس یک طرفه one _ way ANOVA برای مقایسه

مشارکت افراد متأهل، مجرد و سایر

وضعیت تأهل	تفاوت میانگین	Sig
متأهل	مجرد	۰/۱۰۸
	سایر	۰/۶۷۷۲
مجرد	متأهل	۰/۱۰۸
	سایر	۰/۹۵۲
سایر	مجرد	۰/۶۷۷
	متأهل	۰/۹۵۲
		Sig = ۰/۰۳۷

چون $Sig = ۰۰۰۳۷$ است پس نتیجه می‌گیریم که تفاوت معناداری بین مشارکت و تأهل وجود دارد. یعنی میزان مشارکت افراد متأهل بیش از افراد مجرد است و در رده‌ی سوم سایرین قرار دارند.

فرضیه سوم:

H0: بین مشارکت و سن رابطه معناداری وجود ندارد.

H1: بین مشارکت و سن رابطه معناداری وجود دارد.

نظر به اینکه مشارکت متغیر فاصله‌ای و سن متغیر رتبه‌ای است برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است.

۳. آزمون همبستگی اسپیرمن بین مشارکت و سن

	مشارکت	سن
ضریب همبستگی اسپیرمن	۱	۰/۲۰۴
Sig =		۰/۰۰۶
حجم نمونه		۱۸۳
ضریب همبستگی اسپیرمن	۰/۲۰۴	۱
Sig =	۰/۰۰۶	
حجم نمونه	۱۸۳	

چون $Sig = ۰/۰۰۶$ است پس نتیجه می‌گیریم که همبستگی معنی‌داری بین مشارکت و سن وجود دارد. با توجه به ضریب ۰/۲۰۴ اسپیرمن همبستگی ضعیف مثبتی بین دو متغیر وجود دارد، یعنی با افزایش سن، میزان مشارکت افزایش می‌یابد.

فرضیه چهارم:

H0: بین مشارکت و تحصیلات رابطه معناداری وجود ندارد.

H1: بین مشارکت و تحصیلات رابطه معناداری وجود دارد.

نظر به اینکه مشارکت متغیر فاصله‌ای و تحصیلات متغیر رتبه‌ای است برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است.

۴. آزمون همبستگی اسپیرمن بین مشارکت و تحصیلات

مشارکت	تحصیلات
ضریب همبستگی اسپیرمن Sig = حجم نمونه	۱ -۰/۰۷۶ ۰/۳۰۴ ۱۸۳
ضریب همبستگی اسپیرمن Sig = حجم نمونه	-۰/۰۷۶ ۰/۳۰۴ ۱۸۳

چون $Sig = ۰/۳۰۴$ است پس نتیجه می‌گیریم که همبستگی معنی‌داری بین مشارکت و تحصیلات وجود ندارد.

فرضیه پنجم:

H0: بین مشارکت و اشتغال رابطه معناداری وجود ندارد.

H1: بین مشارکت و اشتغال رابطه معناداری وجود دارد.

نظر به اینکه مشارکت متغیر فاصله‌ای و اشتغال متغیر اسمی و بیش از دو گروه است، برای آزمون این فرضیه از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است.

۵. آزمون تحلیل واریانس یک طرفه one-way ANOVA برای مقایسه مشارکت افراد در وضعیت شغلی متفاوت.

وضعیت اشتغال	تفاوت میانگین	sig
کارمند بازنشسته	۰/۰۰۳	۱/۰۰۰
شغل آزاد	-۰/۰۷۱۴	۰/۹۸۰
بیکار	۱/۰۷۵۰	۰/۶۴۷
خانه‌دار	-۰/۰۵۸۲	۱/۰۰۰
دانشجو	-۰/۰۱۸۳	۰/۹۸۰
کارمند بازنشسته	۰/۰۰۳	-۰/۰۷۱۴
شغل آزاد	-۰/۰۷۱۷	۱/۰۷۵۰
بیکار	۱/۰۷۴۷	-۰/۰۵۸۲

خانه دار	۰/۵۸۵ -	۰/۹۱۷
دانشجو	۰/۱۸۶ -	۱/۰۰۰
بازنشسته شغل آزاد	۰/۷۱۴	۰/۹۸۰
کارمند	۰/۷۱۴	۰/۷۵۹
بیکار	۲/۴۶۴	۰/۰۱۴
خانه دار	۰/۱۳۱	۱/۰۰۰
دانشجو	۰/۵۳۱	۰/۹۸۶
بازنشسته بیکار	۱/۷۵۰ -	۰/۶۴۷
کارمند	۱/۷۴۷ -	۰/۲۲۳
شغل آزاد	۲/۴۶۴ -	۰/۰۱۴
خانه دار	۲/۳۳۲ -	۰/۰۳۷
دانشجو	۱/۹۳۲ -	۰/۳۷۲
بازنشسته خانه دار	۰/۵۸۲	۰/۹۹۳
کارمند	۰/۸۵۸	۰/۹۱۷
شغل آزاد	۰/۱۳۱ -	۱/۰۰۰
بیکار	۲/۳۳۲	۰/۰۳۷
دانشجو	۰/۴۰۰	۰/۹۹۷
بازنشسته دانشجو	۰/۱۸۳	۱/۰۰۰
کارمند	۰/۱۸۶	۱/۰۰۰
شغل آزاد	۰/۵۳۱ -	۰/۹۸۶
بیکار	۱/۹۳۳	۰/۳۷۲
خانه دار	۰/۰۰۳	۱/۰۰۰
Sig = ۰/۰۳۷		

چون $Sig = ۰/۰۳۷$ است پس نتیجه می‌گیریم که تفاوت معنی‌داری بین مشارکت و شغل وجود دارد. بیشترین مشارکت مربوط به افرادی است که شغل آزاد دارند و از آن به بعد به ترتیب عبارتند از افراد خانه دار، دانشجو، بازنشسته، کارمند و در رده‌ی آخر بیکارها.

فرضیه ششم:

H0: بین مشارکت و وضعیت مسکن رابطه معناداری وجود ندارد.

H1: بین مشارکت و وضعیت مسکن رابطه معناداری وجود دارد.

نظر به این که مشارکت متغیر فاصله ای و وضعیت مسکن متغیر اسمی و بیش از دو گروه است. برای آزمون این فرضیه از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است

۶. آزمون تحلیل واریانس یک طرفه one way ANOVA برای مقایسه مشارکت افراد در رابطه با وضعیت مسکن آنها.

وضعیت مسکن	تفاوت میانگین	Sig
اشتیجاری شخصی	۰/۶۶۶	۰/۲۶۸
سازمانی شخصی	۰/۷۱۱	۰/۵۷۳
اشتیجاری سازمانی	-۰/۶۶۶	۰/۲۶۸
سازمانی اشتیجاری	۰/۰۴۵	۰/۹۹۸
سازمانی شخصی	-۰/۷۱۱	۰/۵۷۳
اشتیجاری اشتیجاری	-۰/۰۴۵	۰/۹۹۸
Sig = ۰/۲۴۵		

چون $Sig = ۰/۲۴۵$ است پس نتیجه می گیریم که تفاوت معناداری بین مشارکت و وضعیت مسکن وجود ندارد. فرضیه هفتم:

H0: بین مشارکت و میزان درآمد رابطه معناداری وجود ندارد.

H1: بین مشارکت و میزان درآمد رابطه معناداری وجود دارد.

نظر به اینکه مشارکت متغیر فاصله ای و درآمد متغیر رتبه ای است برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. ۷. آزمون همبستگی اسپیرمن بین مشارکت و میزان درآمد

درآمد	مشارکت
۰/۱۲۴	۱
۰/۱۴۱	ضریب همبستگی اسپیرمن
۱۸۳	Sig ..
	حجم نمونه
۱	ضریب همبستگی اسپیرمن درآمد
۰/۱۲۴	Sig =
۰/۱۴۱	حجم نمونه
۱۸۳	

چون $Sig = ۰/۱۴۱$ است پس نتیجه می‌گیریم که همبستگی معنی‌داری بین مشارکت و درآمد وجود ندارد.

فرضیه هشتم:

H0: بین مشارکت و پایگاه اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد.

H1: بین مشارکت و پایگاه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

نظر به اینکه مشارکت متغیر فاصله‌ای و پایگاه اجتماعی متغیر رتبه‌ای است برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است.

۸. آزمون همبستگی اسپیرمن بین مشارکت و پایگاه اجتماعی

مشارکت	پایگاه اجتماعی
ضریب همبستگی اسپیرمن مشارکت Sig = حجم نمونه	۰/۱۲۴ ۰۰۰۹۵ ۱۸۳
ضریب همبستگی اسپیرمن پایگاه اجتماعی Sig = حجم نمونه	۰/۱۲۴ ۰/۰۹۵ ۱۸۳

چون $Sig = ۰/۰۹۵$ است پس نتیجه می‌گیریم که همبستگی معنی‌داری بین مشارکت و پایگاه اجتماعی وجود ندارد.

فرضیه نهم:

H0: بین مشارکت و احساس تعلق اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد.

H1: بین مشارکت و احساس تعلق اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

نظر به اینکه مشارکت و احساس تعلق اجتماعی متغیرهای فاصله‌ای است.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

۹. آزمون همبستگی پیرسون بین مشارکت و تعلق اجتماعی

	مشارکت	تعلق اجتماعی
ضریب همبستگی اسپیرمن مشارکت	۱	۰/۳۳۸
Sig -		۰/۰۰۰
حجم نمونه		۱۸۳
ضریب همبستگی اسپیرمن تعلق اجتماعی	۰/۳۳۸	۱
Sig =	۰/۰۰۰	
حجم نمونه	۱۸۳	

چون $Sig = ۰/۰۰۰$ است پس نتیجه می‌گیریم که همبستگی معناداری بین متغیر مشارکت و تعلق اجتماعی وجود دارد. با توجه به ضریب پیرسون $۰/۳۳۸$ شده است همبستگی متوسط بین دو متغیر و به صورت مثبت وجود دارد، یعنی با افزایش تعلق اجتماعی میزان مشارکت افزایش می‌یابد.

فرضیه دهم:

H10: بین مشارکت و آگاهی فردی و اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد.

H11: بین مشارکت و آگاهی فردی و اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

نظر به اینکه مشارکت و آگاهی فردی و اجتماعی متغیرهای فاصله‌ای است

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

۱۰. آزمون همبستگی پیرسون بین مشارکت و آگاهی فردی و اجتماعی

	مشارکت	آگاهی
ضریب همبستگی اسپیرمن مشارکت	۱	۰/۲۹۶
Sig =		۰/۰۰۰
حجم نمونه		۱۸۳
ضریب همبستگی اسپیرمن آگاهی	۰/۲۹۶	۱
Sig =	۰/۰۰۰	
حجم نمونه	۱۸۳	

چون $Sig = ۰/۰۰۰$ است پس نتیجه می‌گیریم که همبستگی معنی‌داری بین متغیر مشارکت و آگاهی فردی و اجتماعی وجود دارد. با توجه به ضریب پیرسون $۰/۲۹۶$ ، همبستگی متوسط بین دو متغیر و بصورت مثبت وجود دارد یعنی با افزایش آگاهی فردی و اجتماعی میزان مشارکت افزایش می‌یابد.
فرضیه یازدهم:

H0: بین مشارکت و رضایت از امکانات و وضعیت جامعه رابطه معناداری وجود ندارد.

H1: بین مشارکت و رضایت از امکانات و وضعیت جامعه رابطه معناداری وجود دارد.

نظر به اینکه مشارکت و رضایت از امکانات وضعیت جامعه متغیرهای فاصله‌ای است، برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

۱۱. آزمون همبستگی پیرسون بین مشارکت و رضایت از وضعیت جامعه

رضایتمندی	مشارکت	
۰/۳۵۴	۱	ضریب همبستگی اسپیرمن مشارکت
۰/۰۰۰		Sig =
۱۸۳		حجم نمونه
۰/۳۵۴	۰/۳۵۴	ضریب همبستگی اسپیرمن رضایتمندی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	Sig =
۱۸۳	۱۸۳	حجم نمونه

چون $Sig = ۰/۰۰۰$ است پس نتیجه می‌گیریم که همبستگی معنی‌داری بین متغیر مشارکت و رضایت از امکانات و وضعیت جامعه وجود دارد. با توجه به اینکه ضریب پیرسون $۰/۳۵۴$ شده است همبستگی متوسط بین دو متغیر و به صورت مثبت وجود دارد، یعنی با افزایش رضایت از امکانات و وضعیت جامعه، میزان مشارکت افزایش می‌یابد.

فرضیه دوازدهم :

H10: بین مشارکت و پاداش فردی رابطه معناداری وجود ندارد.

H11: بین مشارکت و پاداش فردی رابطه معناداری وجود دارد.

نظر به اینکه مشارکت و پاداش فردی فاصله‌ای است برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

۱۱. آزمون همبستگی پیرسون بین مشارکت و پاداش فردی

	مشارکت	پاداش
ضریب همبستگی اسپیرمن	۱	۰/۰۰۹
Sig =		۰/۹۰۴
حجم نمونه		۱۸۳
ضریب همبستگی اسپیرمن	۰/۰۰۹	۱
Sig =	۰/۹۰۴	
حجم نمونه	۱۸۳	

چون $Sig = ۰/۹۰۴$ است پس نتیجه می‌گیریم که همبستگی معنی‌داری بین متغیر مشارکت و پاداش فردی وجود ندارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

- با تجزیه و تحلیل داده‌های این تحقیق نتیجه‌گیری‌های زیر حاصل می‌شود:
- ارامنه جلفای اصفهان در امور مذهبی، اجتماعی، عام‌المنفعه و شرکت در انجمن‌های مختلف از درصد مشارکت بالایی برخوردار هستند و تنها در حدود ۳/۸ درصد افراد مشارکت ندارند.
- از نظر مشارکت سیاسی و شرکت در انتخابات اعضای این جامعه در سطح بسیار بالایی قرار دارند. (۳۸/۶ درصد)
- از نظر مشارکت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اکثریت اعضای این جامعه در سطح متوسط و بالا هستند.

- (۵۱/۹ بالا و ۴۲/۶ متوسط) فقط ۵/۵ درصد فاقد این مشارکت هستند.
- از سنجش رابطه بین متغیر وابسته (مشارکت) و متغیرهای مستقل، نتایجی به شرح زیر به دست آمده است.
- نبود رابطه معناداری بین دو متغیر مشارکت و جنس افراد.
- وجود رابطه معناداری بین دو متغیر مشارکت و تاهل. میزان مشارکت در افراد متأهل بیشتر از افراد مجرد وسایرین است.
- وجود رابطه مستقیم بین دو متغیر مشارکت و سن. با افزایش سن افراد میزان مشارکت اجتماعی آنها افزایش می یابد.
- نبود رابطه معناداری بین دو متغیر مشارکت و تحصیلات.
- نبود رابطه معناداری بین دو متغیر مشارکت و پایگاه اجتماعی.
- وجود رابطه معناداری بین دو متغیر مشارکت و شغل. بیشترین مشارکت نزد افرادی که دارای شغل آزاد هستند دیده شده و کمترین مشارکت مربوط به بیکاران است. در این طیف از کمترین به بیشترین مشارکت شغل های زیر قرار دارند : کارمند، بازنشسته، دانشجو، خانه دار.
- نبود رابطه معناداری بین دو متغیر مشارکت و وضعیت مسکن.
- نبود رابطه معناداری بین دو متغیر مشارکت و میزان درآمد.
- وجود رابطه مستقیم بین دو متغیر مشارکت و احساس تعلق اجتماعی. بدین مفهوم که با افزایش احساس تعلق اجتماعی میزان مشارکت افزایش می یابد.
- وجود رابطه مستقیم بین دو متغیر مشارکت و آگاهی فردی و اجتماعی. با افزایش آگاهی فردی و اجتماعی میزان مشارکت افزایش می یابد.
- وجود رابطه مستقیم بین دو متغیر مشارکت و رضایت از امکانات و وضعیت جامعه. با افزایش این رضایت میزان مشارکت افزایش می یابد.
- نبود رابطه معنی داری بین دو متغیر مشارکت و پاداش فردی.

- بر مبنای نتایج حاصله از این تحقیق پیشنهادهای ذیل در راستای افزایش مشارکت ارامنه جلفای اصفهان می‌تواند مؤثر باشد:
- آگاهی از وضعیت اجتماعی - فرهنگی جامعه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند و افزایش میزان آگاهی فرد از قابلیت‌ها، استعدادها و نیازهای خود همراه با آگاهی از وظایف و مسؤولیت‌های فردی و اجتماعی، می‌تواند عامل مؤثری در افزایش مشارکت باشد. لذا در افزایش مشارکت، آموزش و یادگیری نقش مهمی دارند که بایستی از تمامی وسایل آموزشی از قبیل رسانه‌های جمعی جدید (کتاب، روزنامه، وسایل سمعی و بصری و اینترنت) و روش‌های سنتی (سخنرانی و وعظ و کنفرانس) بهره برد تا مردم را به لزوم مشارکت و اثرات آن در توسعه و پیشرفت زندگی فردی و اجتماعی آگاه کرد. بهترین یادگیری نیز باید در سه حوزه‌ی شناختی و عاطفی و روانی - حرکتی صورت پذیرد.
- با افزایش امکانات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اوقات فراغت در جامعه شرایطی ایجاد خواهد شد که افراد جامعه برای رفع نیاز تعلق و همبستگی اجتماعی با میل و رغبت بیشتری مشارکت خواهند کرد.
- فضای باز شبکه روابط و ساختارهای اجتماعی جامعه نقش مهمی در افزایش مشارکت اجتماعی دارد؛ لذا با مدیریت صحیح مسؤولان جامعه در این حوزه‌ها، نهادینه کردن فعالیت‌ها و ایجاد زمینه‌های لازم برای شرکت افراد جامعه در مراحل برنامه ریزی، تصمیم‌گیری و اجرا می‌توان مشارکت مردمی را اثر بخش کرده آن را افزایش داد.

یادداشت‌ها:

- ۱- منطقه پنج شهری: از جنوب به کوه صفا، از شرق به چهارباغ بالا، از شمال به زاینده رود و بلوار ملت و بوستان سعدی و از غرب به زندان شهربانی و قائمیه و کوه دنبه محدود می شود
- ۲- در بین آرامنه ای که به جلفا آورده شده بودند، گروهی شغل حجاری داشتند که برای خود محله‌ای را بنیان نهادند که محله «سنگ تراش‌ها» نامیده شد که هنوز هم به همین نام باقی است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع:

- آراسته خو، محمد، *تأمین و رفاه اجتماعی*، نشر دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۳.
- بیرو، آلن، *فرهنگ علوم اجتماعی*، مترجم باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۰.
- توسلی، غلام عباس، *مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک*، چاپ دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- دره‌هوانیان، هاروتون، *تاریخ جلفای اصفهان*، مترجمان لئون میناسیان و موسوی فریدنی، نشر زنده رود با مشارکت انتشارات نقش خورشید، اصفهان، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- دواس، دی. ای، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، مترجم هوشنگ نائبی، نشر نی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- رضوانی، اصغر و فردرو، محسن، *دولت، مردم و همگرایی*، چاپ آثار، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ریتزر، جورج، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، مترجم محسن ثلاثی، نشر علمی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- ساروخانی، باقر، *روشهای تحقیق در علوم اجتماعی*، نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۲.
- سرگزی، حسینعلی، *مشارکت و نهادهای مردمی*، چاپ آثار، تهران، ۱۳۸۱.
- سیف، علی اکبر، *روش تهیه پژوهش‌نامه*، نشر دوران، تهران، ویرایش دوم، ۱۳۷۵.
- شفقی، سیروس، *جغرافیای اصفهان*، انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان، ۱۳۵۳.

- قبادی، علیرضا، ضرورت مشارکت مردم در عرصه فرهنگ، چاپ آثار، تهران، ۱۳۸۱.
- گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، مترجم منوچهر صبوری، نشر نی، تهران، چاپ دهم، ۱۳۸۲.
- ملکیان، لینا، کلیسای آرامنه ایران، چاپ احمدی، تهران، چاپ بیستم، ۱۳۸۰.



ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی